

## فرایند برگزاری جشن مهرگان در قرون نخستین اسلامی

سید اصغر محمودآبادی

دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

علی اکبر عباسی

دانشجوی دکترا تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان

### چکیده

جشن مهرگان، دومین عید مهم ایرانیان پس از عید نوروز در دوره باستان بود که در ۱۶ تا ۲۱ مهرماه برگزار می شد. شانزدهم مهر عید عوام و بیست و یکم مهر عید خواص بود. منشأ پیدایش جشن های مهرگان، بنا به نقل منابع قرون نخستین اسلامی، پیروزی فریدون بر ضحاک و مربوط به زمانی بوده است که اقوام ایرانی و هندی با هم زندگی می کرده اند. مراسم مهرگان در قرون اول تا چهارم هجری هم برگزار می شد. خلفای اموی و عباسی برای کسب منافع اقتصادی و ایجاد مقبولیت در بین مردم ایران از این جشن ها حمایت می کردند و بزرگان ایرانی حفظ سنت های بومی خویش را در برگزاری آن می دانستند. بعضی از زاهدان مسلمان از جشن های مهرگان و اقدامات برگزارکنندگان مراسم اظهار تنفر می کردند؛ اما مسلمانانی هم بودند که برگزاری این مراسم را با ارزش های دینی مغایر نمی دانستند. انعکاس برگزاری این مراسم در چهار قرن اول اسلامی، به صورت پراکنده در منابع ذکر شده است. کتاب های مستقلی درباره مهرگان در قرون نخستین اسلامی نوشته شده که منقولاتی از آن در کتاب های فتوح، تواریخ عمومی، دایرةالمعارف ها و تواریخ محلی و انساب موجود است.

۲۵۸ فرهنگ، ویژه تاریخ

مقدمه

ایرانیان در دوران باستان، مراسم و جشن‌های بسیاری داشته‌اند که برخی از آنها به دوره اسلامی نیز کشیده شده است. یکی از جشن‌های مهم ایرانیان در عهد باستان که پس از نوروز بزرگ‌ترین جشن محسوب می‌شد، عید مهرگان است. مراسم مهرگان بعد از اسلام و در قرون نخستین اسلامی، در همه ایران و حتی در برخی از نواحی بیرون از ایران رایج بوده است. خلفای اموی، عباسی و حاکمان نیمه‌مستقل قرن‌های سوم و چهارم، عمدتاً با برپایی این مراسم مخالفتی نداشتند. در این مقاله سعی شده است چگونگی برپایی مراسم مهرگان در قرون نخستین اسلامی (اول تا چهارم هجری) و دیدگاه مردم درباره این جشن و انگیزه‌های حاکمان مسلمان در حمایت از آن بحث و بررسی و تحلیل شود.

### مبحث مهرگان در منابع

با توجه به اهمیت عید مهرگان در قرون نخستین اسلامی، این موضوع عنوان کتاب‌هایی در این باره بوده است. ابوالحسین علی بن مهدی کسروی - از نویسندگان و ایران‌شناسان قرن سوم هجری که گاه با نام موسی بن خسروی (کسروی) هم از او یاد کرده‌اند (بیرونی، ۱۴۲۲: ۵۵۹) - کتابی به نام *الاعیاد والنواریز* داشته که ابن ندیم در *الفهرست* از آن یاد کرده است (ابن ندیم، بی تا: ۱۶۷) و حمزه اصفهانی، مطالبی از آثار او در سنی نقل و نقد می‌کند (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۱۸-۱۷). ابوریحانی بیرونی و ابوعثمان جاحظ در آثارشان از کتاب *الاعیاد والنواریز* کسروی نقل کرده‌اند. در این زمینه، ابوالحسن علی بن هارون بن یحیی کتاب دیگری تألیف کرد. وی متکلم دانشوری بود که با خلیفگان همنشینی داشت. نام کتاب ابوالحسن درباره جشن نوروز و مهرگان *النوروز والمهرجان* بود. وی کتاب‌های دیگری هم داشته که یکی از آنها شهر *رمضان* بوده است. او این کتاب را در عصر آل بویه - که مشوق فرهنگ ایرانی

فرایند برگزاری جشن مهرگان در قرون نخستین اسلامی ۲۵۹

بودند - تألیف کرد. ابوالحسن در سال ۲۷۶ هجری متولد شده و در سال ۳۵۲ - در سن هفتاد و شش سالگی - در گذشته است (یاقوت الحموی، ۱۴۲۳: ۸۷۹/۲). اثر دیگری در این باره که ویژه جشن مهرگان تألیف شده و در آن از سایر اعیاد سخنی به میان نیامده، کتاب *المهرجان* تألیف ابوعبدالله احمد بن محمد جیهانی - وزیر منصور بن نوح سامانی - بوده است (ابن فقیه همدانی، ۱۴۱۶/۱۹۹۶: ۳۸، پاورقی). این اثر به ابن سینا هم نسبت داده شده است (همان). مباحثی از این کتاب هم در منابع ذکر شده است. حمزه بن حسن اصفهانی نیز رساله‌ای به نام *الاشعار السائره فی النیروز و المهرجان* داشته است (بیرونی، ۱۴۲۲: ۳۸). علاوه بر این منابع اختصاصی، در سایر منابع اعم از تاریخی، جغرافیایی، ادبی، انساب، ملل و نحل... هم کم و بیش مطالبی درباره مهرگان نگاشته شده است. ابوریحان بیرونی - دانشمند بزرگ ایرانی - در کتاب *آثار الباقیه* مطالبی درباره زمان پیدایش جشن مهرگان و علت مطرح شدن آن نوشته است. طبری در *تاریخ الرسل و الامم و الملوک*، ضمن بیان فتح خراسان و نیز ذکر حوادث دوران بعضی از خلفا، به ماجرای هدیه دادن ایرانیان به حاکمان در مهرگان اشاره می‌کند. در *تاریخ بلعمی* هم روایاتی متفاوت از طبری درباره مهرگان ذکر شده است. در خصوص زمان عید مهرگان و اصرار برخی از خلفا در گرفتن هدایای مهرگان نیز یعقوبی اخباری ذکر کرده است. ابوعلی مسکویه الرازی هم به نوع برخی از هدایا اشاراتی دارد. در *طبقات ابن سعد*، حکایت‌هایی نیز در بیرون از ایران که این جشن‌ها در آنجا برگزار می‌شد، ذکر شده است. مسعودی بیشتر به عقاید ایرانیان درباره مهرگان پرداخته است. در بعضی از منابع جغرافیایی مثل *معجم الادباء* یا قوت حموی، مباحثی در مورد ماجراهای روز مهرگان بیشتر در عهد عباسی ارائه شده است. مؤلف *احسن التقاسیم* نیز از شرکت مسلمین و زرتشتی‌ها در فارس و در مراسم اعیاد یکدیگر خبر می‌دهد.

در برخی منابع ادبی، مثل *الغانی ابوالفرج اصفهانی*، اشعار زیادی درباره مهرگان به مناسبت‌های مختلف سروده شده است که می‌توان تحلیل‌های زیادی در مورد جشن‌های مهرگان در قرون نخستین اسلامی از آنها استنباط کرد.

در بعضی از منابع فارسی، مثل *زین‌الخبار گردیزی*، هم از مهرگان عام و مهرگان خاص یاد شده است. در تواریخ عمومی متأخرتر مثل *العبر ابن خلدون*، *الکامل ابن اثیر*، *نهایة‌الارب نویری*، نیز به تبعیت از تاریخ‌نگاران قرون نخستین اسلامی مطالبی درباره مهرگان، البته مختصر، نوشته شده است. برخی متفرقه مثل *الاوراق*، *تذکره‌الحمودنیه*، *زهرة‌الآداب*، نیز حاوی مباحث جالبی درباره مهرگان هستند که در سایر منابع نیست.

#### وجه تسمیه نام مهرگان و چگونگی عیدشدن آن

درباره نام مهرگان، محققان تحلیل‌های مختلفی ارائه داده‌اند. این جشن به مهر یا میترا - ایزد باستانی ایرانی - نسبت داده می‌شود (رضی، ۱۳۵۸: ۲۷۵). مهر از ایزدان مهم مطرح شده در *اوستا* است؛ معنای آن دوستی و رعایت عهد و پیمان بوده و مهر نیز طرفدار دوستی و راستی و درستی بوده و دشمن دروغ معرفی شده است (صفا، بی‌تا: ۲۰). برخی نیز به لحاظ لغوی، مهر را به معنای خورشید و مهرگان را روزی می‌دانند که خورشید در همه عالم طلوع کرده است (بیرونی، ۱۴۲۲: ۲۷۳). این دیدگاه را صفا رد کرده است (صفا، بی‌تا: ۲۱). در اینکه چرا این جشن‌ها در شانزدهم مهرماه برگزار می‌شود، مطالبی در منابع ذکر شده است که از روی آنها نمی‌توان به صورت قطعی در این باره نظر داد. واقع شدن روز مهر در ماه همان‌ماه را برخی سبب جشن گرفتن آن دانسته‌اند (همان، ص ۲۷). در همه ماه‌ها، نام روزی از ماه که با نام خود ماه مطابقت داشت، مبارک بود و آن روز جشن گرفته می‌شد. تمامی سی روز ماه، نام‌های خاصی داشتند. داراب پالن - موبد پارسی - در منظومه خود موسوم به

فرضیات نامه به شرح از یک ترجمه پهلوی، تفصیل سی روز را آورده است (رضی، ۱۳۷۱: ۱۱۹-۱۱۱). «گان» نیز به معنای «زمان و وقت» است. مسعودی در کتاب ارزشمند *مروج الذهب*، درباره پیدایش مهرگان نوشته است: «به اعتقاد ایرانیان، یکی از پادشاهان ظالم ایران که مدتی فرمانروایی کرد، مهر نام داشت و ستمگر بود و چون جان داد، جشن گرفتند. نام وی مهر بود و چون جان داد، مهرجان داد گفتند و این روز را روز اول زمستان نامیدند (مسعودی، ۱۴۰۹: ۱۸۱/۲). بلعمی در این زمینه روایتی نقل کرده است که در تاریخ طبری نیست. وی نام مهرگان را مربوط به ماه مهر می‌داند: چون کاوه تاج بر سر افریدون نهاد، روز مهر بود و جشن مهرگان از آن جهت گرفته شد و چون افریدون بر تخت نشست، عدل و داد بگسترید و مهر او اندر جهان منتشر شد (بلعمی، ۱۳۷۳-۷۸: ۱۰۵/۱). همچنین در روایت ابن‌اثیر آمده است که در شانزدهم مهرماه، مهرگان [افریدون] آمد برای کشتن کسی که مردم را می‌کشت (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵/۱۳۸۵: ۷۶/۱). در علت برگزاری جشن، موضوع تسلط افریدون بر ضحاک و اسیر کردن و به بند کشیدن وی و فرستادنش به دماوند تقریباً در عموم منابع ذکر شده است. در *اوستا* هر جا سخن از فریدون است، از تسلط، درگیری و برتری او بر آژی‌دهاگ (ضحاک) یاد شده است (*اوستا*، ۱۳۸۲: ۳۷۰، ۴۱۶، ۴۲۲، ۴۳۲، ۴۴۴). فردوسی نیز جشن مهرگان را به زمان فریدون مربوط دانسته است:

فردوسی چو شد بر جهان کامگار	ندانست جز خویشتن شهریار
به رسم کیان تاج و تخت مهی	بیاراست با کاخ شاهنشهی
به روز خجسته سر مهرماه	به سر برنهاد آن کیانی کلاه

(فردوسی، ۱۳۷۵: ۵-۱۳۴)

در بعضی از منابع، به روایات افسانه‌ای ایرانی رنگ و روی مذهبی هم داده شده است. در یکی از منابع نیز آمده است: ایرانیان فکر می‌کنند ضحاک همان نم‌رود و افریدون همان ابراهیم است (قلقشندی، بی‌تا: ۴۴۹/۲). در ادامه نیز اشاراتی وجود دارد در این باره که افریدون دین مجوس را با کشتن ضحاک از انحراف نجات داد

(همان). ماجرای فریدون و ضحاک، مربوط به اقوام هندی و ایرانی است و در *اوستا* و سانسکریت ذکر شده است (صفا، بی تا: ۳۲). براساس روایتی دیگر، مهرگان روزی بود که اردشیر بن بابک بن ساسان تاج بر سر نهاد (بی تا: ۴۴۹/۲). بیرونی که خود مهرگان را جشن می گرفت، بر این اعتقاد بود که هرمزین شاپور، مهرگان و رام روز ۲۱ مهر را یکجا جشن قرار داد (بیرونی، ۱۴۲۲: ۶۵۴). مصحح *آثارالباقیه*، از دیگر سخنان بیرونی چنین استنباط می کند که جشن مهرگان برای بازپس گیری درفش کاویانی مقرر شده است (همان، ص ۶۶۶). در برخی از منابع هم به جای نام ضحاک از تسلط افریدون بر بیوراسب یاد شده است (ابن فقیه همدانی، ۱۹۹۶/۱۴۱۶: ۳۳۳). همچنین اشاره شده که اسم اصلی مغلوب فریدون همان بیوراسب است که تازیان وی را ضحاک نامیده اند. رضی معتقد است که به علت کمبود منابع دوره باستان نمی توان زمان شروع جشن را دقیقاً مشخص کرد (رضی، ۱۳۵۸: ۵۱۸)؛ به ویژه که آریایی ها قبل از ورود به ایران با کتابت آشنایی نداشتند. *منهاج السراج* معتقد است افریدون از فرزندان جم بود (منهاج السراج، ۱۳۶۳: ۱۳۷/۱). بنا به روایتی نیز افریدون بر ملک نشست و کاوه را سردار کرد (بلعمی، ۱۳۷۳/۷۸: ۸۱/۲). جشن و سرور در شش روز — از شانزدهم تا بیست و یکم مهرماه — ادامه داشت (نوبری، ۱۴۲۳: ۱۸۷/۱). شانزدهم مهر به عید عوام و بیست و یکم مهر به مهرگان عید خواص شهرت یافت (بیرونی، ۱۴۲۲: ۲۷۴)؛ ابن فقیه همدانی، ۱۹۹۶/۱۴۱۶: ۲۴۵؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۲-۵۱۱). مهرگان، دومین عید بزرگ ایرانیان بعد از نوروز بود. نوروز عید ربیعی و مهرگان عید خریفی پارسیان محسوب می شد (ابن خلدون، ۱۹۸۸/۱۴۰۸: ۱۹۰/۲). بنا به نقل سلمان، تفصیل نوروز و مهرگان نسبت به سایر روزها نزد ایرانیان مثل تفصیل یاقوت و زبرجد به سایر جواهر بوده است (بیرونی، ۱۴۲۲: ۲۷۳). در مهرگان، مردم فرش ها را می گسترده و خانه ها را پاکیزه می کردند و طعام هایی می ساختند (مقدسی، مطهرین طاهر، بی تا: ۲۷/۴). بنا به روایت مسعودی، مردم در این روزها فرش ها، لباس ها و لوازم را نو می کردند (مسعودی،

## فرایند برگزاری جشن مهرگان در قرون نخستین اسلامی ۲۶۳

۱۴۰۹: ۵۵۰/۱). بیرونی هم اشاره می‌کند که در مهرگان، معجون‌ها و نوشیدنی‌های خاصی درست می‌شد (بیرونی، ۱۴۲۲: ۲۶۶). سرگرمی‌های رایج در جشن مهرگان، مخصوصاً برخی از نوشیدنی‌های آن، در نزد اهل دین مذمت می‌شد؛ ولی بسیاری از حاکمان، حتی حاکمان عرب، خود در لذت و سرگرمی جشن‌های مربوط به این روزها غرق می‌شدند) که در ادامه مقاله، به نمونه‌هایی از آن اشاره شده است). اهمیت و توجه به مهرگان در قرون اولیه اسلام، از نام شهرها و مناطقی بدین نام و اسم اشخاص به نام مهرگان، آشکارتر می‌شود. ظاهراً شهری در مناطق غربی ایران بین جبال تا همدان به نام مهرگان، مهرگان کداک، مهرجان قذق یا قذق بوده است (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵: ۱۰۹/۲۳). هرمزان - حاکم و فرمانده نظامی معروف شوشتر - در آستانه ورود اسلام به ایران (دینوری، ۱۹۶۰: ۱۳۰) به این شهر منسوب بود (ابن‌عساکر دمشق، ۱۴۱۵: ۷۶/۳۲). مهرگان کداک را سائب بن مالک اشعری با صلح فتح کرد (نویری، ۱۴۲۳: ۲۶۰/۱۹). مقدسی نیز نام مهرگان را احتمالاً مهرگان دیگری مربوط به منطقه‌ای بین ریوند (روستایی در شهرستان سبزوار فعلی) و اسفراین می‌داند (مقدسی، محمدبن‌احمد، ۱۴۱۱/۱۹۹۱: ۳۵۲). در بسیاری از منابع هم نام قدیمی خود اسفراین، مهرگان و المهرجان نوشته شده است (یاقوت‌الحموی، ۱۴۲۳: ۶۸۹/۲؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۴۳/۲). از شهر مهرگان کداک در زمان ابوالعباس سفاح یاد شده است؛ و مهرگان باید مناطق غربی باشد نه خراسان، به این دلیل که ابومسلم حاکمان اعزامی عباسیان برای شهرهای خراسان را نمی‌پذیرفت و حتی نواحی نزدیک خراسان را به جهت حفظ نفوذش در این منطقه به نمایندگان سفاح نمی‌داد (دینوری، ۱۹۶۰: ۷-۳۷۶). در منابع، از حکومت سلیمان بن علی بر مهرگان کداک از طرف ابوالعباس سخن به میان آمده است (طبری، ۱۹۶۷: ۴۵۹/۷). نام مهرگان همچنین گاه بر اشخاص و افراد اطلاق می‌شده است. نام جد برخی از محدثین معروف، مهرجان بوده است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۲۹۲/۶). زمان جشن مهرگان نیز براساس تقویم سریانی،

بیست و هشتم تشرین الاول و نهم ماه‌های اییب ماه‌های قبطی و شانزدهم مهرماه تقویم ایرانی بوده است (قلقشندی، بی تا: ۴۴۸/۲). بین نوروز تا مهرگان ۱۶۷ روز فاصله بوده و این عید در اوایل پاییز قرار داشته است.

### جشن مهرگان در عهد باستان

هرچند موضوع این مقاله درباره وضع جشن مهرگان در قرون نخستین اسلامی است، لازم است درباره مراسم مهرگان در دوره باستان نیز توضیح مختصری داده شود. از عصر ساسانی و دوره‌های قبل از آن، غیر از *اوستا* منبعی درباره برگزاری جشن‌ها نیست. اگر برگزاری جشن مهرگان به تاجگذاری اردشیر مربوط بوده باشد، طبیعی است که قبل از آن، از این مراسم خبری نبوده است. نبود کاغذ در عهد باستان، کمبود کتابت، نظام طبقاتی ساسانی و محروم بودن مردم عادی از تحصیل باعث شده است که درباره شیوه اجرای مراسم جشن‌های مهرگان در دوران باستان اطلاعاتی کافی نداشته باشیم. عمده اطلاعات ما در مورد مراسم مهرگان عهد ساسانی، به منابع اوایل دوران اسلامی مربوط است. از همان قرن اول هجری، مسلمین با کاغذ در آسیای میانه آشنا شدند؛ و آشنایی با این ماده و توجه اسلام به علم و دانش، تأثیر زیادی در رشد کتابت داشت.

در کتاب *تذکره الحمدونیه* آمده است: انوشیروان در روز مهرگان، سفره‌ای پهن می‌کرد و اهل مملکت را به حضور می‌پذیرفت. در این پذیرایی، غذا صرف می‌شد و پس از غذا شراب می‌آوردند؛ بعد از آن هم اهل موسیقی حاضر می‌شدند و به طرب می‌پرداختند. همچنین، آجیل و تنقلات در ظرف‌های طلایی و نقره‌ای به مجلس آورده می‌شد. حتی از جام‌های طلایی به وزن هزار مثقال در این جلسات صحبت به میان آمده است (محمدبن حسن بن حمدون، ۱۴۱۷: ۳۲۵/۲). به علاوه، در عهد باستان و در روز مهرگان، پادشاه عوام را به حضور می‌پذیرفت و به شکایت آنان



رسیدگی می‌کرد و امور مردم را سروسامان می‌داد (عسکری، ۱۴۰۸: ۲۰۷)؛ حتی در مواردی پند و اندرز بزرگان را می‌شنید و در اداره امور از آن بهره می‌گرفت (ثعالبی، ۱۳۲۸: ۲۲۰). در برخی از منابع هم ذکر شده است که در عهد باستان جشن مهرگان پس از پیروزی بر رومیان برگزار می‌شد (مجم‌التواریخ والقصص، بی‌تا، ۵۵)؛ که البته با توجه به فلسفه برگزاری این جشن، سخن این مؤلف غریب به نظر می‌رسد. شاید هم اشاره به مواردی است که جشن‌هایی مشابه مهرگان برگزار می‌شد. از آنجا که در این پژوهش، وضع مراسم و جشن‌های مهرگان در قرون نخستین اسلامی بررسی می‌شود، به همین مقدار درباره وضع مهرگان در عهد باستان بسنده می‌کنیم.

#### مراسم مهرگان در دوره راشدین و امویان

موضوع جشن مهرگان، از همان ابتدای ورود اسلام به ایران مطرح بوده است. عبدالله بن عامر زمانی که از سوی عثمان بن عفان - خلیفه سوم - مأمور فتح خراسان شد، به سوی این ایالت تاخت و شهرها و مناطق آن را فتح کرد. در مقدمه لشکر، ابن عامر (احنف بن قیس تمیمی) قرار داشت. احنف از طرف خود، پسرعموی خویش بشربن متمشم را حاکم بلخ کرد. مردم آن شهر در روز مهرگان برای وی هدیه آوردند. بشر از مردم پرسید: آیا این هدایا مربوط به قرارداد صلح است؟ آنها گفتند: نه، ولی هدایایی است که در روز مهرگان به حاکمان خویش می‌دهیم تا آنان را بر سر رأفت آوریم (طبری، ۱۹۶۷: ۳۱۳/۴)؛ و این هدایا شامل درهم، دینار، طلا، نقره، متاع و لباس بود (همان، ۳۱۳/۴). این روایات نشان می‌دهد که در ابتدا خود مردم ایران بر بزرگداشت مهرگان و دادن هدایا اصرار داشتند و از این حس بومیان ایرانی، حاکمان اموی بعداً سوءاستفاده می‌کردند. وقتی بشر موضوع ارائه هدایا توسط دهقانان ایرانی را با احنف در میان گذاشت، احنف اموال را به نزد ابن عامر برد. عبدالله بن عامر به احنف گفت که هدایا را برای خویش بردارد و چون احنف

نپذیرفت، حاکم اموی (عبدالله بن عامر) اموال را برای خود برداشت (همان، ۳۱۴/۴). حاکم اموی بصره در روز مهرگان بر سیستان نیز تاخت و پس از مشاهده جشن و سرور مردم در آن روز از بزرگشان خواست هدایایی از زر و سیم را در پوست بزی نهند و به وی دهند (بلاذری، ۱۹۸۸: ۸-۵۴۷). در زمان خلافت حضرت علی (ع)، ایرانیان کوفه هدایایی از زر و سیم را در رحبه (نام منطقه‌ای در اطراف کوفه) برای امام علی (ع) آماده کردند و قنبر - غلام آن حضرت - که احساس می‌کرد امام هدایا را نخواهد پذیرفت، مقداری از اموال، طلاها و نقره را به منزل ایشان برد. علی (ع) وقتی هدایا را در منزل خویش یافت، خطاب به قنبر گفت: «مادرت به عزایت بنشیند! آیا می‌خواهی آتش را به خانه من وارد کنی؟»؛ و پس از آن، همه اموال و هدایا را در بین مردم تقسیم کرد (ابن عساکر دمشق، ۱۴۱۵: ۴۲/۸-۴۷۷). احتمالاً امام (ع) هدایا را به صاحبان اصلی پس داده است. نعمان بن مرزبان - جد ابوحنیفه - در زمان خلافت امام علی (ع) در کوفه در روز نوروز یا مهرگان برای ایشان فالوذج آورد و آن حضرت (ع) فرمود: هر روز ما مهرگان و یا نوروز باد (السمعانی، ۱۳۸۲/۱۹۶۲: ۶۴/۶). هدیه‌های معمولی را که در آن غرض دنیوی نبود، امام علی (ع) می‌پذیرفت. چنان‌که یکی از یاران امام علی (ع) ایشان را برای خوردن حلویایی که در نوروز پخته بود، دعوت کرد. علی (ع) از آن خورد و پرسید: «این حلوا را برای چه پخته بودی؟». وی گفت: «امروز نوروز است». علی (ع) خندید و گفت: «اگر می‌توانید، همه روز برای ما نوروز بگیرید.» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۲: ۵/۱۷۶). هدیه‌هایی که بعضی افراد به دست آوردن مناصب حکومتی را از دادن آن مدنظر داشتند و در تهیه آن پول زیادی هزینه شده بود را حضرت (ع) رد می‌کردند؛ چنان‌که آن حضرت (ع) هدیه اشعث کندی را که به این منظور ارسال شده بود، پس فرستاد (همان، ۱۷۶/۵). بنا به نقل یکی از منابع ادبی، مردم سواد کوفه نیز در عهد خلفای نخستین مراسمی در بزرگداشت نوروز و مهرگان برپا می‌کردند. (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۵۲)

فرایند برگزاری جشن مهرگان در قرون نخستین اسلامی ۲۶۷

بنی‌امیه در دوران خلافتشان، در پی مطالبه اجباری هدایای سنگین در مهرگان بودند. معاویه - اولین خلیفه اموی - اصرار داشت که حاکمان هدایای نوروز و مهرگان را نزد وی فرستند و در همین راستا بالغ بر ده میلیون درهم نزد وی فرستاده می‌شد. (ابن عبدالبر، ۱۹۹۲/۱۴۱۲: ۱۴۲۰/۳؛ یعقوبی، بی‌تا: ۲۱۸/۲)

علی‌رغم اینکه در منابعی چون *تاریخ یعقوبی* و *الاستیعاب* ابن‌عبدالبر تصریح شده است که معاویه به گرفتن هدایا و درهم و دینار در مهرگان اصرار داشت، برخی منابع از حجاج به‌عنوان اول کسی که گرفتن هدیه در مهرگان را مرسوم کرد، یاد کرده‌اند (ابن‌قتیبه دینوری، ۱۴۲۳: ۷۰۴/۲؛ قلقشندی، بی‌تا: ۴۴۷/۲). شاید مطالبه اجباری و با اصرار زیاد، به عهد حجاج مربوط باشد که بیشتر با ایرانیان ارتباط داشت و بر آنان مسلط بود و احتمالاً سطح درخواست‌های حاکمان از هدایا بالا رفته بود و گرنه در منابع تصریح شده است که معاویه هم به گرفتن هدایای نوروز و مهرگان از اهل سواد اصرار داشت (مسکویه‌الرازی، ۱۳۷۹: ۲۲/۲). سنت‌های ایرانی، بیشتر در خراسان مرسوم بود و زبان فارسی جدید نیز از آنجا برخاست و به سایر نقاط ایران رسید. بنابراین طبیعی بود که رسم هدیه‌دادن در مهرگان هم بیشتر از سایر مناطق، از آن ایالت گزارش شده باشد. گاه در بین هدیه‌های تقدیمی به خلفا، دختران جوانی هم بودند که در هدایای سال ۷۸ در یکی از منابع گزارش شده است (قیروانی، بی‌تا: ۵۲۷/۲) و این خود از طبع درونی و تمایلات برخی از خلفای اموی حکایت دارد. گاه نیز حاکمان اموی مثل اسدبن‌عبدالله قسری و یا یزیدبن‌عمر بن‌هبیره، جهت تحقیر ایرانیان و نشان‌دادن گشاده‌دستی خود، تمامی هدایا را به اطرافیان می‌بخشیدند. منابع از هدیه‌های دهقانان خراسانی برای اسد و گرانبها بودن هدیه‌های طلایی و نقره‌ای جام‌ها، سینی‌ها، لباس‌های مروی، و قهستانی و هراتی و اینکه اسد تمامی آنها را به اطرافیان بخشید، یاد کرده‌اند (طبری، ۱۹۶۷/۱۳۸۷: ۱۳۹/۷). معمولاً این گشاده‌دستی

نسبت به بزرگان عرب خراسان بود (همان، ۱۴۰/۷) و از روابط نزدیک امیران خراسان با اشراف بومی و عرب مقیم آن سامان نشان داشت.

اطرافیان حاکمان که می‌دانستند در روز مهرگان حاکم بخشش‌های زیادی خواهد کرد، به نزد وی می‌آمدند. نهارین توسعه در این باره می‌گوید: «در روز غزا، و روزهای ترس، اندک هستید و به روز مهرگان بسیارید.» (همان، ۱۴۱/۷). علاوه بر تقدیم هدایا، دهقانان خراسان از اسد قسری تعریف و تمجید کردند و صفات وی را پسندیدند و خصلت‌های او را ویژگی فرمانروایان مقتدر مردم‌دار دانستند.

در متن منابع، در مورد دادن هدیه‌های مهرگان به حاکمان، از ادای وظیفه دهقانان در برابر امرا سخن به میان آمده است و اینکه امیران توقع داشتند دهقانان در روز مهرگان هدیه‌های گرانبهایی اعطا کنند. چنان‌که در ذکر اخبار دوران حکومت یزیدبن عمر بن هبیره آمده است: وی در حیاط امارت حکومتی نشسته بود که دهقانان جهت ادای وظیفه در مهرگان بر وی وارد شدند و اموال فراوان، طلا و نقره بسیار و لباس‌های زیادی آوردند که حیاط پر شد. (ابن عساکر دمشقی، ۱۴۱۵: ۳۲۶/۶۵)

تنها یک تن از خلفای اموی سعی داشت این رسم هدیه در مهرگان را براندازد و آن را باعث ظلم حاکمان و فشار بر عوام می‌دانست؛ و او عمر دوم (عمر بن عبدالعزیز) بود که در فرامین حکومتی خود اصرار داشت اموال و هدایای نوروز و مهرگان از مردم گرفته نشود. دستور عمر بر منع گرفتن هدایا و نیز محکوم و ممنوع کردن دیگر اقدامات ظالمانه عمال خلفا (طبری، ۱۳۸۷/۱۹۶۷: ۵۶۹/۶)، خود از آگاهی عمر دوم از انگیزه‌های پست امیران از گرفتن هدایای مهرگان نشان دارد. وی اجازه نمی‌داد که در نوروز و مهرگان برای خود وی هم هدیه‌ای ببرند (ابن سعد، ۱۴۱۰/۱۹۹۰: ۶۷/۶). در حالی که قبل از آن، جشن مهرگان بیشتر برای سوء استفاده از آن حتی در دمشق مرکز مروانیان هم به تشویق خلفا برگزار شد. (همان، ۶۷/۶)

فرایند برگزاری جشن مهرگان در قرون نخستین اسلامی ۲۶۹

هدیه گرفتن‌های اجباری، پس از مرگ عمر بن عبدالعزیز و در دوران خلافت جانشینش یزید بن عبدالملک از سر گرفته شد و وی به کار واداشتن افراد بدون مزد و برقرار کردن هدیه‌ها و آنچه در نوروز و مهرگان گرفته می‌شد را مجدداً برقرار ساخت (یعقوبی، بی تا: ۳۱۳/۲). در عهد هشام هم هدیه گرفتن از رعایا در مهرگان، امری عادی و معمولی بود؛ چنان‌که حاکم خراسان جنید بن عبدالرحمن که خود با دادن رشوه و هدیه به هشام و همسرش به حکومت خراسان رسیده بود (طبری، ۱۳۸۷/۱۹۶۷، ۶۷/۷)، از مردم بخارا برای هر یک از سپاهیان‌ش در روز مهرگان ده درهم بخارایی گرفت. (ابن اثیر، ۱۳۸۵/۱۹۶۵، ۱۷۰/۵)

### عباسیان و مهرگان

خلفای عباسی در عصر اقتدارشان، اهمیت زیادی به جشن‌های مهرگان می‌دادند و در دوره آنان، برنامه‌های زیادی در مراسم مهرگان اجرا می‌شد؛ حتی در زمان برگزاری جشن در سرمن رای، هنرمندان، موسیقی اجرا می‌کردند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵: ۳۷۷/۱۶). نویسندگان و وزرای عهد عباسی، هدایای مهرگان را برای خلفا مشروع و حلال می‌دانستند (ابن عبدربه الاندلسی، ۱۴۰۴: ۳۱۵/۷) و خاندان‌های ایرانی که عمیقاً به برگزاری این جشن‌ها اعتقاد داشتند و به مناصبی هم در دولت عباسی رسیده بودند، مشوق انجام مراسم مهرگان شده بودند. خاندان برمکی از خاندان‌های ایرانی بودند که سعی می‌کردند مراسم مهرگان را با شکوه و جلال برگزار کنند و به موسیقی دانانی مثل ابراهیم موصلی برای اجرای برنامه و نواختن موسیقی، هدایایی گرانبها پیشنهاد می‌کردند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵: ۱۴۵/۱۵؛ محمد بن حسن بن حمدون، ۱۴۱۷: ۵۵/۲). فضل بن سهل ذوالریاستین در این روز دستور داد به مداحی که درباره مهرگان شعری سروده بود، هدیه‌های بسیاری داده شود. (زمخشری، ۱۴۱۲: ۶/۲-۲۴۵)

همچنین، بسیاری از سرداران خلفا، برای عیش و نوش و تفریح و سرگرمی، از جشن مهرگان استقبال می‌کردند. (مسعودی، ۱۴۰۹: ۴/۲۴۵)

از شواهد و قرائن چنین برمی آید که عباسیان اهمیتی بیشتر از امویان برای جشن مهرگان قائل بودند؛ چنان که گاهی خواسته‌ها و نیازهای مردم را در مهرگان پس از گرفتن هدایا برطرف می کردند؛ مهدی عباسی - فرزند منصور - پس از گرفتن هدایای ابوالعتاهیه، خواسته های وی را که بر بشقابی چینی نوشته بود، برآورده ساخت. (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳/۳۱۷)

مأمون نیز که مادرش ایرانی بود و مدتی مرکز خلافتش را به مرو انتقال داده بود، برای مهرگان ارزش بیشتری قائل بود. در زمان خلافت وی، اول بار احمد بن یوسف کاتب، در نامه‌ای رسمی اداری فرارسیدن جشن مهرگان را به وی تبریک و تهنیت گفت (قلقشندی، بی تا: ۱۱/۴۹۲، ۳۴۷). البته افرادی که تهنیت می گفتند، هدیه‌های گرانبهایی را هم به خلیفه تقدیم می کردند (صولی، ۱۴۲۵: ۱/۲۱۲؛ ابن عساکر دمشقی، ۱۴۱۵، ۱۱۶/۶). همه خلفای عباسی با عید مهرگان یکسان برخورد نمی کردند و بعضی از آنان مثل متوکل توقع داشتند از تمامی شخصیت‌های مطرح ایرانی در این عید هدیه گرفته شود. متوکل از بختیشوع طیب هدیه ویژه مهرگان را درخواست کرد و بختیشوع جواب داد که من این رسوم را نمی شناسم و مردی نصرانی‌ام (قاضی تنوخی، ۱۳۹۱ق: ۸/۲۴۶). این روایت نشان می دهد که جشن مهرگان را ایرانیان و زردشتیان برگزار می کردند. شاید هم بختیشوع برای طفره رفتن از دادن هدیه چنین جوابی داده باشد. معمولاً خلفای ستمگر و سختگیر توقع بیشتری برای گرفتن هدایا داشتند و افراد چاپلوس نیز به آنها هدایایی گرانبها تقدیم می کردند. حسن بن وهب، جامی طلایی دارای هزار مثقال عنبر برای متوکل فرستاد و ضمن آن شعری با مضمون دعا برای طول عمر وی سرود:

... لاتزل الف حجه مهرجان      انت تفضی به الی النوروز...

... هزار سال مهرگان بیاید و تو آن را به نوروز برسانی...

(جاحظ، ۱۴۲۳: ۳۲۳)

فرایند برگزاری جشن مهرگان در قرون نخستین اسلامی ۲۷۱

از خلفای عباسی، برخی هم بودند که مراسم مهرگان اهمیتی نمی دادند و آن را خلاف اصول اسلامی می دیدند و شاعران را به سرودن اشعاری در نکوهش جشن های مهرگان تشویق می کردند. از جمله این خلفا، مهتدی عباسی بود که البته خلافتش چند ماهی بیشتر طول نکشید. در یکی از اشعار شاعر زمان وی، در تأیید اقدامش در رد هدایای مهرگان آمده است:

رددت هدایا المهرجان ولم تكن      لتسخر النفوس الوفرعون مستفادها  
و عادت اعیاد المظلمین معلنا      ولو لا التحری للهدی لم تعادها

تو هدایای مهرگان را رد کردی در حالی که هیچ یک از بخشنندگان معمولی به آنها بی نیاز نبودند. با جشن های گمراه کنندگان آشکارا دشمنی کردی و اگر تبعیت راه حق نبود، به این کار مبادرت نمی جستی.

مراسم مهرگان بعد از پیدایش حکومت های نیمه مستقل ایرانی در قرن های سوم و چهارم هم ادامه یافت. صابی — مورخ معروف عضدالدوله — در روز مهرگان اسطرلابی را که با ظرافت و به اندازه یک درهم ساخته بود، به وی هدیه داد و ضمن آن شعری برای مخدومش سرود:

اهدی الیک بنو الحاجات و اختلفوا      فی مهرجان جدید انت میبله  
لکن عبدک ابراهیم حسین رای      علو قدرک لاشی یسامیه  
لم یر بالرض یهدیها الیک فقد      اهدی لک الفلک الاعلی بمافیہ

(محمد بن حسن بن حمدون، ۱۴۱۷: ۱۳/۵)

نیازمندان در روز مهرگان که تو برپا داشتی، به درگاہت می آمدند و می رفتند و تو را هدیه می آوردند ولی بنده تو ابراهیم چون علو مقام تو را دید که هیچ چیز با آن برابری نتواند، راضی نشد زمین را به تو هدیه دهد بلکه آسمان را با هر چه در آن است، پیشکش کرد.

این ابیات، خود بیانگر آن است که در دربار عضدالدوله، افراد ضمن دادن هدیه ها، خواسته های خود را در مهرگان مطرح می کردند و این جلسات در دوره

آل بویه می توانست برای حاکمان و رعایا سودمند باشد. چنان که اشاره شد، مهدی عباسی هم که از سایر خلفای عباسی مردمدارتر و آسان گیرتر بود، همین رویه را در پیش گرفته بود.

به دستور مقتدر — خلیفه عباسی — وزیر جدید علی بن عیسی از ابوالعباس احمد بن عبدالله خصیبی وزیر معزولش بازجویی کرد که ضمن آن اشاره رفت که وزیر در نوروژ و مهرگان، سی و پنج هزار دینار از مردم برای خلیفه و فرزندان و خاندان وی می گرفته است. (مسکویه الرازی، ۱۳۷۹: ۶/۵-۲۲۵)

در عهد حکومت ترکان، از گرفتن پیشکش ها و هدایا و اهمیت دادن به مهرگان در منابع، اخباری وجود دارد؛ ولی مبحث آن، به این پژوهش مربوط نیست.

#### عید مهرگان و عقاید اسلامی

برخورد مردم و حاکمان درباره هماهنگی جشن های مهرگان با عقاید دینی یکسان نبود. بعضی از مردم جشن های مهرگان را تحریم می کردند و آن را عید نمی دانستند و تأکید می کردند که اعیاد اسلامی همان عید فطر و قربان است و مهرگان عید مجوس است (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵: ۲۳/۱۵۴)؛ اما کسانی هم بودند که هم فطر و قربان و هم مهرگان را جشن می گرفتند. ابن مسکویه — صاحب کتاب تجارب الامم — در قصیده ای که برای ابن العمید — وزیر آل بویه — سرود، تقارن دو عید قربان و مهرگان را به وی تبریک گفت، در حالی که هر دو مسلمان هم بودند. مطلع قصیده وی چنین است:

قل للعمید، عمید الملک والادب اسعد بعید یک عید الفرس والعرب

(یاقوت الحموی، ۱۴۲۳: ۱/۲۱۹)

به عمید استوارکننده پادشاهی و ادب بگوی فرارسیدن عید ایرانیان و عرب بر تو مبارک باد.



فرایند برگزاری جشن مهرگان در قرون نخستین اسلامی ۲۷۳

در زمان خلافت مأمون نیز ماه رمضان و عید مهرگان مقارن شد؛ و برای متبرک کردن هدایای مهرگان، هدایا را با قرآن به خلیفه تحویل می‌دانند و آیاتی از سوره «الرحمن» را تلاوت می‌کردند (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰: ۵۰۰/۱). رشیدالدین وطواط — از شاعران فارسی‌زبان عهد خوارزمشاهیان — به تقارن عید قربان و مهرگان اشاره کرده است:

آمد خجسته موسم قربان به مهرگان

خون‌ریز این به هم شد با برگ‌ریز آن

بجوی مهر من ای نوبهار حسن که من

به کارت آیم هم چون به مهرگان آتش

قرمطیان که از سوی عمده مسلمانان رانده شده و اهل غارت و ایجاد نوآوری در دین بودند، در نوروز و مهرگان روزه می‌گرفتند (ابن‌العبری، ۱۹۹۲: ۱۵۰؛ طبری، ۱۳۸۷/۱۹۶۷: ۲۶/۱۰). مقدسی درباره آمیختگی ایرانیان و اعراب و مراودات مسلمانان و زرتشتیان می‌نویسد: ایشان نماز تراویح را دوبار می‌خوانند و نوروز و مهرگان را با مجوسان عید می‌گیرند (مقدسی، محمدبن احمد، ۱۹۹۱: ۴۴۱). برخی زاهدان مسلمان هم بودند که اعتکاف در نوروز و مهرگان را بر هر کاری ترجیح می‌دادند و در مساجد معتکف می‌شدند تا از اعمال و مراسم این اعیاد برحذر باشند (زمخشری، ۱۴۱۲: ۴۰/۱). چنان‌که در ابتدای مقاله ذکر شد، بنابر روایتی از *صبح‌العشی فی صناعة الانشاء*، عید مهرگان منشأی دینی دارد و برخی ایرانیان تصور می‌کردند ضحاک همان نمرود و فریدون همان ابراهیم (ع) است.

همین‌که زرتشت به بزرگ کردن مهرگان و اهمیت‌دادن به آن امر داده است (بیرونی، ۱۴۲۲: ۲۷۴)، می‌تواند عاملی بر بی‌میلی مسلمانان پرهیزگار به بزرگداشت مهرگان باشد. در برخی از منابع عربی تأکید شده که مهرگان عید مجوس است (ابن‌فقیه همدانی، ۱۹۹۶/۱۴۱۶: ۳۳۳)؛ و از طرفی، بعضی از دانشمندان مسلمان ایرانی

اصرار داشتند که مهرگان را براساس آیات قرآن تفسیر کنند، چنان که بیرونی با اشاره به آیات قرآن درباره خلقت جهان در شش روز، اشاره دارد که اول روز از شش روزی که خداوند جهان را خلق کرد، مهرگان را برپا داشت. (بیرونی، ۱۴۲۲: ۲۶۴)

گاهی تقارن مهرگان با مراسم مذهبی ماه رمضان، باعث ایجاد اختلاف و درگیری بین طرفداران جشن مهرگان و مخالفان آن و ایجاد درگیری‌ها و آتش‌سوزی‌ها می‌شد. ابن جوزی، نمونه‌ای از آن را در عهد خلافت القادر بالله عباسی ذکر کرده است. (ابن جوزی، ۱۴۱۲/۱۹۹۲: ۲۱۶/۱۵)

#### مهرگان در اشعار شاعران

مباحث مربوط به عید مهرگان در قرن اول تا چهارم، بیشتر از اینکه به فارسی باشد، به عربی است؛ و در این دوران، بیشتر منابع ایران هم عربی هست و در منابع عربی نیز شواهد شعری زیادی درباره مهرگان ارائه شده است. منابع و اشعار فارسی، بیشتر به قرون بعد مربوط است. چنان که در ابتدای مقاله اشاره شد، منابع مکتوب در دوران باستان هم خیلی کم است و منابع قرون نخستین اسلامی نیز عربی است و شاعران ایرانی و عرب شعرهای عربی زیادی درباره جشن‌ها، هدایا و مراسم مهرگان سروده‌اند؛ که بعضی اشعار در راستای گرفتن هدیه و اشعاری همزمان با دادن هدایا و شعرهایی نیز درباره ماجراهای رخ داده در جشن‌های مهرگان و یا تعریف و یا مذمت آن است.

فضل بن جعفر، درباره مهرگان شعری برای فتح بن خاقان سروده که مطلع آن

چنین است:

بكر الناس بالهدايا على اقدارهم      فى صبيحة المهرجان...

(خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۱۵۳/۲۰)

مردم با هدایایی به اندازه وسعشان در صبحگاه مهرگان حاضر شدند...

فرایند برگزاری جشن مهرگان در قرون نخستین اسلامی ۲۷۵

علی بن جهّم کاتب – کاتب متوکل – در قصیده‌ای به عیدبودن مهرگان اشاره و به مردم توصیه می‌کند که در این جشن شرکت کنند:

اغتم جده الزمان الجدید واجعل المهرجان ایمن عید...

(ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵: ۱۵۴/۲۳)

نوشدن زمانه و روزگار را غنیمت بشمار و مهرگان پریمن و برکت را جشن بگیر.

ابوسمط در عهد متوکل درباره مهرگان چنین سروده است:

بدو له جعفر حسن الزمان لنافی کل یوم مهرجان

جعلت هویتی لك فيه وشیا و خیر الوشی ماسنج اللسان

(زمخشری، ۱۴۱۲: ۳۶/۱)

به سبب دولت جعفر، زمانه و روزگار نیکو و خوشایند شده به گونه‌ای که هر روز ما مهرگان است.

هویتم را به نام تو مزین ساختم و نیکوترین ستایش آن است که از طریق زبان باشد.

حسن بن وهب نیز درباره مهرگان اشعاری برای متوکل سرود که در آن اشاره شده است که اشراف ایران اهمیت زیادی به جشن مهرگان می‌دهند.

المهرجان لنا یوم نسر به یوم تعظمه الاشراف والعجم

(جاحظ، ۱۴۲۳ ب: ۳۲۴)

مهرگان روزی است که در آن مسرور می‌شویم و بزرگان و ایرانیان آن را بزرگ می‌شمارند.

بحتری – از شاعران قرن سوم هجری – درباره مهرگان چنین سروده است:

ان المهرجان حقا علی کل کبیر من فارس و صغیر

عید اباءك الملوک ذوی التیجان اهل النهی و اهل الخی

همانا مهرجان را حقی بر گردن هر بزرگ و کوچک ایرانی است.

عید اجداد تو و پادشاهان صاحب تاج صاحبان خرد و نیکخواه بودند.

جدای از شاعران مهم عرب قرن اول مثل نهاربن توسعه و فرزدق که به مناسبت‌هایی اشعاری درباره مهرگان سروده‌اند، ایرانیان نیز اشعاری بیشتر در مدح مهرگان سروده و ازسوی مخدومین خویش حمایت شده‌اند. برخی از اعراب هم در نظم به مدح مهرگان و توصیه به انجام مراسم آن پرداخته‌اند؛ که از جمله آنها آدم‌بن آدم‌بن عبدالعزیزبن عمر بن عبدالعزیز است که اشعاری در منع کوتاهی از پرداخت خراج و هدیه در مهرگان سروده است:

احاذر ان اقصر فی خراجی      الی النیروز او فی المهرجان...

(ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵: ۲۵۱/۱۱)

از کوتاهی در پرداخت خراج خودداری می‌کنم

تا نوروز یا در مهرگان پرداخت خواهم کرد

و البته این توصیه وی دقیقاً خلاف عملکرد جدش عمر دوم بود که اصرار داشت گرفتن هدایا در مهرگان را براندازد. البته ممکن است این اشعار جهت خوشایند خلفای عباسی سروده شده باشد. شاعرانی مثل بحتری در عهد عباسی، زمانی براساس تمایلات خلفا از جشن مهرگان حمایت و زمانی نیز با توجه به طبع درونی خلیفه‌ای دیگر، آن را مذمت می‌کردند.

اشعاری نیز در شاهنامه فردوسی و در دیوان شاعرانی مثل رودکی، فرخی، دقیقی، عنصری، ناصر خسرو، منوچهری و... درباره مهرگان آمده است که مواردی از آن در صفحات پیشین نقل شد و در اینجا به نمونه‌ای از ابیات رودکی بسنده می‌شود. رودکی - نخستین شاعری که به زبان فارسی جدید شعر سروده - اشعاری درباره مهرگان آورده است که از روی آن شاید بتوان به برخی از اقدامات انجام‌شده و دلیل مخالفت‌های زاهدان با مراسم مهرگان در این روز پی برد:

ملکا جشن مهرگان آمد      جشن شاهان و خسروان آمد

جز به جای ملحم و خرگاه      بدل باغ و بوستان آمد

مورد به جای سوسن آمد باز      می به جای ارغوان آمد

تو جوانمرد و دولت تو جوان می به بخت تو جوان آمد

### بزرگان ایرانی و مهرگان

در قرون نخستین اسلامی، برخی از بزرگان و شخصیت‌های مهتر ایرانی با وجود اعتقاد به دین مبین اسلام، اعیاد نوروز و مهرگان را جشن می‌گرفتند و در بزرگداشت آن اهتمام می‌ورزیدند و برگزاری جلسات گرامیداشت آن اعیاد، منافاتی با عقاید اسلامی آنها نداشت. فضل‌بن سهل سرخسی از مداحان مهرگان حمایت مالی می‌کرد و یکبار همه هدایای مهرگان را به مداحی بخشید (زمخشری، ۱۴۱۲: ۴۶۵/۲). قابوس‌بن وشمگیر - که اجداد وی هم بر تاریخ گذشته ایرانیان تأکید داشتند و خود از بزرگان ادب عربی محسوب می‌شد - در روز مهرگان دربین شاعران گندم تقسیم می‌کرد (یاقوت‌الحموی، ۱۴۲۳: ۲۸۶/۵). مهلبی - وزیر معزالدوله - بخشی از اموال خود را در مهرگان و نوروز به وی پیشکش می‌کرد (همان، ۴۳۱/۱). ابوریحان بیرونی - دانشمند بزرگ ایرانی - همواره سرگرم تألیف در زمینه‌های علمی مورد علاقه‌اش بود و فقط در نوروز و مهرگان قلم از دست وی می‌افتاد (بیرونی، ۱۴۲۲: ۱۰۱۸/۲). آشکار است که ابوریحان ارزش زیادی برای اعیاد معروف ایرانی قائل بوده است. صاحب‌بن عباد - دانشمند و وزیر آل‌بویه - به علی‌بن حسین کاتب که در مدح مهرگان اشعاری سروده بود، بخشش‌هایی کرد (همان، ۳۴۰/۱)؛ و اصلاً رفتن کاتب به نزد وی برای گرفتن صله بود و او می‌دانست که صاحب ارزش زیادی برای سرودن شعر درباره مهرگان قائل است. ابوعلی مسکویه‌الرازی هم شخصیتی است که کتاب *تجارب‌الامم* را با کیانیان شروع می‌کند و تمایلات ایرانی دارد. وی تقارن دو عید مهرگان و قربان را به وزیر آل‌بویه در شعری تبریک گفت (مسکویه‌الرازی، ۱۳۷۹: ۲۱۹/۱). شمس‌الدین ابوعبدالله محمدبن احمد مقدسی - مؤلف کتاب *احسن‌التقاسیم* - هم که از جانب مادر اهل قومس و ایرانی بوده است،

می گوید که در جشن های مهرگان شرکت کرده است (مقدسی، محمدبن احمد، ۱۹۹۱: ۴۵). اهمیت دادن نویسندگان و حاکمان معروف ایرانی در قرون نخستین به جشن مهرگان، نشانگر آن است که مردم بزرگداشت این عید را با اعتقادات اسلامی خویش مغایر نمی دیدند و علایق ملی در بین توده مردم باعث اهمیت دادن به این مراسم می شده است. البته عموم مردم با برخی اقدامات خلاف شرع که افرادی در این جشن ها انجام می دادند، مخالف بودند.

#### نتیجه

جشن مهرگان که از اعیاد باستانی ایران محسوب می شد، در قرون نخستین اسلامی در ایران رایج بود و خلفای اموی و عباسی از برگزاری آن به جهت گرفتن هدایا و ایجاد مقبولیت در بین عامه مردم حمایت می کردند. برگزاری جشن ها و دادن هدیه را ابتدا بومیان ایرانی مطرح کردند ولی بعدها برای خلفا به صورت توقع و انتظاری درآمد که در مهرگان از سران و اشراف و دهقانان تقاضای هدایای گرانبها داشتند. شخصیت های ایرانی که حس میهن دوستی و تاریخنگری داشتند، از بزرگداشت روز مهرگان حمایت می کردند و برای مداحان مهرگان هدایا و پاداش های مالی در نظر می گرفتند. بعضی خلفای عباسی هم که جباریت کمتری داشتند، به همراه گرفتن هدایا، به خواسته های مردم پاسخ می دادند. حکومت های نیمه مستقل ایرانی قرن ۳ و ۴، اهمیتی بیشتر از خلفا برای مراسم مهرگان قایل بودند. مسلمانان از دیدگاه دینی موضعگیری های متفاوتی در مورد برگزاری جشن های مهرگان داشتند. در واقع جشن مهرگان برای بسیاری از ایرانیان یادبودی از گذشته ای دور و از یادرفته به نظر می آمد که می توانست بر پیروزی نظامی اعراب در ایران تأثیر نهد و انتظارات فرهنگی آنان را در اوج اقتدار خلافت عربی و به ویژه در دوران پیدایش حکومت های نیمه مستقل بازسازی کند.

### کتابنامه

- ابن ابی الحدید. ۱۳۷۲. *جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه*. انتخاب و ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی. چاپ اول. تهران: نشر نی. (در شرح خطبه ۲۱۹)
- ابن اثیر عزالدین ابوالحسن علی. ۱۳۸۵/۱۹۶۵. *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار صار.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد. ۱۴۱۲/۱۹۹۱. *المنتظم فی تاریخ الامم والملوک*. تحقیق محمد و مصطفی عبدالقادر عطا. الطبعة الاولى. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. ۱۴۰۸/۱۹۸۸. *دیوان المبتدا والخبر فی تاریخ العرب والبربر*. تحقیق خلیل شعاده. الطبعة الثانية. بیروت: دارالفکر.
- ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع. ۱۴۱۰/۱۹۹۰. *الطبقات الکبری*. تحقیق محمد عبدالقادر عطا. الطبعة الاولى. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله. ۱۴۱۲/۱۹۹۲. *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*. تحقیق علی محمد البجاوی. الطبعة الاولى. بیروت: دارالجلیل.
- ابن عبدربه الاندلسی، شهاب الدین ابو عمرو. ۱۴۰۴. *عقد الفرید*. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن العبری. ۱۹۹۲. *تاریخ مختصر الدول*. تحقیق انطون صالحانی السوعی. الطبعة الثالثة. بیروت: دارالشرق.
- ابن عساکر دمشق، ابوالقاسم علی بن حسن. ۱۴۱۵. *تاریخ مدینة دمشق*. بیروت: دارالفکر.
- ابن العمرانی، محمد بن علی. ۱۴۲۱/۲۰۰۱. *الانباء*. تحقیق قاسم السامرائی. طبعة الاولى. القاهرة: دارالآفاق العربیه.
- ابن فقیه همدانی، ابو عبدالله احمد بن محمد. ۱۴۱۶/۱۹۹۶. *البلدان*. تحقیق یوسف الهادی. الطبعة الاولى. بیروت: عالم الکتب.
- ابن قتیبه دینوری. ۱۴۱۸. *عیون الاخبار*. بیروت: دارالکتب العلمیه. بی جا.
- \_\_\_\_\_ . ۱۴۲۳. *الشعر والشعراء*. قاهره: دارالحدیث.
- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر. ۱۴۰۷/۱۹۸۶. *البدایه والنهایه*. بیروت: دارالفکر.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق. بی تا. *الفهرست*. بی جا: بی نا.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۶۶. *کتاب الفهرست*. ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد. چاپ سوم. تهران: امیر کبیر. (ص ۲۴۷)

## ۲۸۰ فرهنگ، ویژه تاریخ

- اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین. ۱۴۱۵. *الآغانی*. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اصفهانی، حمزه بن حسن. ۱۳۴۶. *تاریخ پیامبران و شاهان*. ترجمه دکتر جعفر شعار. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران. بی‌جا.
- اوستا*. ۱۳۸۲. ترجمه و پژوهش هاشم رضی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات بهجت.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر. ۱۹۹۶/۱۴۱۷. *انساب الاشراف*. الطبعة الاولى. تحقیق سهیل ذکار و ریاض زرکلی. بیروت: دارالفکر.
- \_\_\_\_\_ . ۱۹۸۸. *فتوح البلدان*. بیروت: دار مکتبه الهلال.
- بلعمی. ۱۳۷۳-۷۸. *تاریخنامه طبری*. تحقیق محمد روشن. تهران: سروش.
- بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد بیرونی. ۱۴۲۲. *آثار الباقیه عن القرون الخالیه*. چاپ اول. تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
- ثعالی، ابومنصور عبدالملک بن محمد. ۱۳۲۸. *غرر اخبار ملوک فرس و سیرهم*. ترجمه محمود هدایت. تهران: بی‌نا.
- جاحظ، ابو عثمان. ۱۴۲۳ الف. *البيان والتبيين*. بیروت: دار مکتبه الهلال.
- \_\_\_\_\_ . ۱۴۲۳ ب. *المحاسن والاضداد*. بیروت: دار مکتبه الهلال.
- جهشیاری، ابو عبدالله محمد بن عبدوس. ۱۳۴۸. *الوزراء والکتاب*. ترجمه ابو الفضل طباطبایی، با مقدمه زین العابدین رهنما. بی‌جا: بی‌نا.
- خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی. ۱۴۱۷. *تاریخ بغداد*. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود. ۱۹۶۰. *الاخبار الطوال*. تحقیق عبدالمنعم عامر. الطبعة الاولى. قاهره: دار احیاء الکتب العربی.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد. ۱۹۹۳/۱۴۱۳. *تاریخ الاسلام*. تحقیق عمر عبدالسلام تدمری. الطبعة الثانية. بیروت: دارالکتب العربی.
- راغب اصفهانی. ۱۴۲۰. *محاضرات الادباء و محاورات الشعراء والبلغاء*. چاپ اول. بیروت. شرکت دار ارقم بن ابی الارقم.
- رضی، هاشم. ۱۳۷۱. *گاه شماری و جشن های ملی ایران باستان*. تهران: بهجت.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۵۸. *جشن مهرگان یلدا*. چاپ اول. تهران: سازمان انتشارات فروهر.
- زمخشری جارالله. ۱۴۱۲. *ربیع الابرار و نصوص الاخبار*. چاپ اول. بیروت: مؤسسه الاعلمی.



## فرایند برگزاری جشن مهرگان در قرون نخستین اسلامی ۲۸۱

السمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد. ۱۹۶۲/۱۳۸۲. *الانساب*. تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی. الطبعة الاولى. حیدرآباد: مجلس دایرة المعارف العثمانیه.

صفا، ذبیح الله. بی تا. *گاه شماری و جشن های ملی ایرانیان*. شورای عالی فرهنگ و هنر. صولی، ابوبکر محمد بن یحیی. ۱۴۲۵. *الاوراق قسم اخبار الشعراء*. قاهره: شرکت اهل.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. ۱۹۶۷/۱۳۸۷. *تاریخ الطبری*. الطبعة الثانية. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دار التراث العربی.

عسکری، ابوهلال حسن بن عبدالله. ۱۴۰۸. *الاوراق*. چاپ اول. طنطا: دارالبشیر. فردوسی، ابوالقاسم. ۱۳۷۵. *شاهنامه*. به قلم عزیزالله جوینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

قاضی تنوخی. ۱۳۹۱ ق. *نشوار المحاضرة و اخبار المذکره*. بیروت: بی تا. قلقشندی، شهاب الدین احمد بن عبدالله. بی تا. *صبح الاعشى فى صناعة الانشاء*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

قیروانی، ابراهیم بن علی. بی تا. *زهرة الآداب و ثمره اللباب*. بیروت: دارالجلیل. گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک. ۱۳۶۳. *زین الاخبار*. تحقیق عبدالحی حبیبی. چاپ اول. تهران، دنیای کتاب.

محمد بن حسن بن حمدون. ۱۴۱۷. *التذکرة الحمدونیه*. چاپ اول. بیروت: دارصادر. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. بی تا. *التنبیه والاشراف*. تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی. القاهرة: دارالصاوی.

\_\_\_\_\_ . ۱۴۰۹. *مروج الذهب و معادن الجواهر*. الطبعة الثانية. تحقیق اسعد داغر. قم: دارالهجره.

مسکویه الرازی، ابوعلی. ۱۳۷۹. *تجارب الامم*. تحقیق ابوالقاسم امامی. الطبعة الثانية. تهران: سروش. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد. ۱۹۹۱/۱۴۱۱. *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*. الطبعة الثالثة. مکتبه مدبولی.

مقدسی، مطهر بن طاهر. بی تا. *البدء والتاریخ*. تحقیق بورسعید. مکتبه الثقافة الدینیة. منهاج السراج. ۱۳۶۳. *طبقات ناصری*. تحقیق عبدالمحمد حبیبی. تهران: دنیای کتاب. مؤلفی نامعلوم. *مجمل التواریخ والقصص*. بی تا. تحقیق ملک الشعراء بهار. تهران: کلاله خاور.

## ٢٨٢ فرهنك، ويزة تاريخ

نويرى، شهاب الدين احمد. ١٤٢٣. *نهاية الارب فى فنون الادب*. چاپ اول. قاهره: دارالكتب والوثائق القومية.

ياقوت الحموى، شهاب الدين عبدالله. ١٤٢٣. *معجم الادباء*. ترجمه عبدالمحمد آيتى. چاپ اول. تهران: سروش.

\_\_\_\_\_ . ١٩٩٥. *معجم البلدان*. الطبعة الثانية. بيروت: دارصادر.

يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب. بى تا. *تاريخ يعقوبى*. بيروت: دارصادر.